

فن مناظره

(صنعت ششم) (۲)

محمد باقر شریعتی سبزواری

در آمد:

در مقاله پیشین به وجود مناظره از نظر عقل و دین اشاره شد و گفتیم که مناظره بدین معنی، صنعت ششمی است که به مجادله و مغالطه ارتباطی ندارد. در بحث گذشته تعریف مناظره و پیشینه آن در اسلام و جهان را بیان کردیم و به آداب و شرایط آن می پردازیم؛ به ویژه اینکه حج بیت الله به مثابه کنگره بین المللی اسلامی است و تمام جوامع، نمایندگانی در این مؤتمر عظیم دارند تا پس از ادای مناسک، سه روز در منا و چند روز بین حج تمتع و عمره تمتع فرصت مساعدی است که با هم به گفتگو بپردازند و مشکلات مادی و معنوی و معضلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را حل و فصل نمایند.

از همه مهم تر، مشکلات فکری اعتقادی و برداشت های خود از اسلام و قرآن را به مناظره بگذارند و علما و روشنفکران با هم صمیمانه مذاکره و مباحثه نمایند و به تفاهم برسند و اگر احیانا برداشت های ناروایی از اسلام دارند در طی مناظره ها، اصلاح نمایند تا کشورهای اسلامی به جای وحدت و برادری با دسیسه های اسرائیل و با نقشه های استکباری به جان و مال همدیگر تعرض نکنند و خون یکدیگر را نریزند و دشمنان را شاد نکنند، بلکه با اعتصام بحبل الله، قدرت واحدهای بر ضد کفر جهانی

و صهیونیزم بین‌المللی باشند.

از سوی دیگر، به حکم آیه ﴿فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ﴾، اگر گفتگوهای اعتقادی و برداشت‌های دینی به مجادله کشیده شود، کینه و کدورت‌ها بیشتر می‌شود؛ از این رو، لازم است مسلمان‌ها به جای مجادله یونانی از فن مناظره اسلامی بهره‌گیرند و با اصول، قواعد و شرایط و آداب و موازین آن، آشنا شوند و به اصطلاح قرآن، به جدال احسن روی آورند، نه جدال شیطانی تا هیچگونه کدورت و عداوتی پیدا نشود بلکه بر اخوت و محبت آنان افزوده شود و در طی مباحثه‌ها و مطابق کتاب و سنت برداشت‌های خود را تصحیح نمایند؛ چرا که هدف از مناظره اسلامی و جدال احسن رسیدن به حقیقت است نه غلبه بر یک دیگر. امروزه گروه‌های اسلامی به نام داعش، القاعده و طالبان و غزه در مقابل تمام علمای اسلام و مفسران عالی مقام و اصحاب پیامبر خدا قد برافراشته‌اند و از دیروز و امروز برداشت‌های خوارج‌گونه از اسلام و قرآن دارند و سایر مسلمانان را که با آنان بیعت نکنند کافر و مستحق قتل می‌دانند و اسلام را که آیین رحمت برای تمام خلق‌ها است، یک دین خشن و آدم‌کش معرفی کرده‌اند و حاضر به مناظره نیستند و خود را حق مطلق می‌دانند. از این‌رو سلسله مقالاتی در باب مناظره اسلامی و جدال احسن مطابق کتاب و سنت و عقل می‌نگاریم تا مسلمانان به کمک مناظرات اسلامی مبهمات را به کمک یکدیگر بر طرف نموده و در تمام شبهات به حقیقت دست پیدا نکنند و مطابق سنت رسول الله و اصحاب و اهل بیت علیهم‌السلام صمیمانه به گفتگو بپردازند.

آداب و شرایط مناظره

از مهم‌ترین شرایط و آموزه‌ها که در مناظره می‌توان مطرح ساخت و قواعد عقلی نیز آن را می‌طلبد، گزینش افراد خاصی است با شرایطی که در زیر بدان خواهیم پرداخت تا مناظره به هدف واقعی و مطلوب خود برسد که در غیر این صورت لغو و بی‌نتیجه خواهد ماند.

۱. **آشنایی با قواعد منطقی؛** شخص مجادل و مناظر باید با قواعد و فرمول‌های منطقی و به طور کلی صناعات خمس آشنا باشد تا بتواند بر مطلوب خود از طریق عقل و نقل، اقامه دلیل نماید. همچنین بر قضایای «مشهورات»، «مسلمات» و «مظنونات» که در علم منطق، در باب جدل و خطابه آمده است نیز آشنا و مسلط باشد؛ به خصوص در استدلال‌های تمثیلی، مغالطه‌ای، اشعار،

ضرب المثل‌ها، حکایت‌ها و کلمات بزرگان در اینگونه موضوعات تسلط کامل داشته باشد.

۲. تسلط بر موضوع و بیان جذاب؛ مناظره‌گر باید بیانی جذاب، ادبیاتی نیرومند، آهنگی زیبا و قدرت تسلط بر اعصاب و روان داشته باشد و همچون استادی که بر کرسی تدریس نشسته، از آرامش کافی در طول گفت‌وگو، برخوردار بوده و از عجله و شتاب پرهیزد.

۳. دوری از سؤال‌های مبهم و مغرضانه؛ آداب مناظره ایجاب می‌کند که از پرسش‌های مغرضانه و مسأله‌دار و چند پهلو که باعث ابهام در ذهن مخالفان و آلودگی فضای مناظره و خروج از دایره موضوع و عدل و انصاف می‌شود سخت دوری نماید؛ برای نمونه اگر طرف مقابلش خطایی در نوجوانی کرده و یا با کسی که از نظر سیاسی و اخلاقی نامطلوب بوده، معاشرت داشته یا یکی از بستگانش خطاکار بوده که فعلاً در جامعه منفور می‌باشد و یا مورد بغض حاکمیت قرار دارد، سخت باید اجتناب شود؛ مثلاً اگر بگویند شنیده‌ام که تو در گذشته گرایش مارکسیستی داشته‌ای یا در جوانی به صورت مظلومی سیلی نواخته‌ای و... آیا هم اکنون نیز به آن گرایش‌ها باقی هستی یا خیر؟ یا پرسیده شود که: می‌گویند پدر و مادرت از تبار غربتی‌ها و کولی‌ها بوده‌اند و مانند این اباطیل که از شأن مناظره‌گران حق طلب به دور می‌باشد، باید از تمام مطالبی که به موضوع بحث ارتباطی پیدا نمی‌کند اجتناب نماید، از رقیب نیز تعهد بگیرد که از طرح مسائل نامربوط جداً خودداری کند؛ چرا که شنونده هوشمند آن را یک طرفند مغرضانه برای فرار از بحث و خروج از بن بست تلقی خواهد کرد و حق را به طرف مقابل خواهد داد و در میان عوام مردم نیز تأثیر زودگذر گذاشته ولی در نهایت با روشنگری فرهیختگان، هوادارانش نیز به تدریج از وی برمی‌گردند، مگر اینکه حریف مجادله را از حد بگذراند و انسان از مقابله به مثل ناگزیر گردد؛ به قول شاعر:

ظاهرت چون گور کافر پر حلال باطنت قهر خدا عز و جل
ظاهرت طعنه زند بر بایزید وز درونت ننگ می‌دارد یزید
گر که پوشیمش ز بنده پروری تو چرا رسوایی از حد می‌بری

در این صورت با یک اختطار و یا جلوگیری مجری از طی مسیر انحرافی، مناظره او به اصل بحث برگردانیده شود.

۴. جلوگیری از حاشیه رفتن حریف؛ در عین توجه کامل و مؤدبانه به بیانات حریف، نباید به وی مجال داده شود که دامنه سخن را بی‌جهت بگستراند و یا مسأله را به شاخه‌های متعدد



تقسیم کند. البته نه از طریق داد و قال بلکه به وسیله در تنگنا قرار دادن و با تکیه بر نقاط ضعف کلامی او، مواضع وی را درهم بکوبد و او را به موضوع اصلی مباحثه برگرداند. کسب پیروزی در مناظره، در بعضی از مسائل، مهاجم باشد نه مدافع، فعال باشد نه منفعل.

۵. پرهیز از الفاظ رکیک؛ از فحش و تکفیر و الفاظ رکیک و نازیبا و طرح مسائل ضد ارزشی و پرسش‌های نابجا باید پرهیز گردد؛ زیرا این نوع گفته‌ها دلالت دارد که طرف مقابل قافیه را باخته است و اگر حریف از این حربه استفاده کرد، بهترین فرصت برای دفاع و ارائه نقاط ضعف گوینده آن است. طرح مسائل شخصی و خانوادگی طرف مقابل و یا پزیدن به اشخاص دیگر که از دایره جلسه مناظره خارج می‌باشند، نشان ضعف و بداخلاقی و هوچی‌گری و نداشتن منطق است، گرچه ممکن است در وصول به هدف مقطعی حيله و ترفند بی‌تأثیر نباشد لیکن در پیشگاه خدا و خلق آگاه در نهایت محکوم است؛ چرا که از نظر اسلام هدف وسیله را توجیه نمی‌کند.^۱

۶. قاطعیت؛ مناظره گر باید قرص و محکم و با دلیل و قاطعیت سخن بگوید نه با فریاد و جنجال و نه با ظن و گمان و تردید و احتمال، بلکه با منطق و برهان در عرصه گفت و گو بماند؛ چرا که سروصدا نشانه ضعف علمی و منطقی اوست: ﴿قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^۲.

۷. ترک مناظره با خود پرستان؛ در حد امکان باید از مناظره با افراد ریاست طلب و برتری جو و خودخواه و معاند، در جلسه خصوصی و عمومی، به خصوص در مبارزات انتخابی دوری کرد؛ چرا که چنین اشخاصی هرگز زیر بار حق نخواهند رفت بلکه بسا با تردستی و دروغ پراکنی و حقه بازی، در برابر اکثریت ناآگاه به هدف دست پیدا خواهد کرد، در حالی که اگر چنین جلسه‌ای نبود، وی به هدف نمی‌رسید؛ چنانکه از بحث و مذاکره با افرادی که مجذوب یک مرام و یا مفتون یک مرشد و مراد و یا صاحب قدرت و مقامی شده‌اند و او را حق مطلق و مربی بی‌مانند بدانند، باید پرهیز کرد؛ زیرا معمولاً هیچ مریدی را از مرادش ولو باطل باشد، با مباحثه و مناظره نمی‌شود جدا کرد مگر در طول زمان، اعمال خلاف شرعی را از مربی اخلاق و یا مرادشان مشاهده نمایند و برگردند. کسانی که دست و پای مراد مطاع را می‌بوسند و نیم خورده او را شفا می‌دانند و تسلیم محض اویند و گفتار او را وحی منزل می‌دانند، چگونه با جلسات بحث و گفت و گو هدایت می‌شوند؛ آنان هرگز دست از مراد بر نمی‌دارند، البته شرکت در مناظره‌های عمومی و یا تلویزیونی که باعث روشن شدن آحاد ملت می‌شود و جلو تداوم ریاست طلبان را می‌گیرد، مانعی ندارد. همچنین با زمامدار یک کشور نیز نباید به صورت خصوصی یا عمومی به مباحثه پرداخت؛ زیرا اگر او شکست بخورد مناظره گر را در آینده از تاریخ و جغرافیا حذف می‌کند و یا محبوس

می‌سازد و اگر گفت‌وگو با وی دوستانه باشد ولی خلاف نظر او را بازگوید با او دشمن شده و در مواقع مناسب ضربه را به وسیله ایادی‌اش بر وی وارد خواهد ساخت؛ همچنانکه افرادی با حجاج بن یوسف ثقفی و یا معاویه به مباحثه و جدال پرداختند و آنان را محکوم ساختند، اما بی‌درنگ حکم قتل آن‌ها از سوی حجاج صادر می‌شد و معاویه نیرنگ باز آنها را زندانی و یا از تمام مسئولیت‌ها عزل می‌ساخت و اگر صاحب قدرت خیلی کینه توز نباشد، حاضر نمی‌شود به این گونه افراد پست یا مقامی را تفویض کند.^۳

۸. **آشنایی با صناعات خمس؛** در یک کلام، آشنایی مناظره‌گران با قیاسات برهانی، خطابی، شعری، جدلی و سفسطی نیز بسیار سودمند است و به ویژه از صناعت خمس در مغالطات و جدل برای شکافتن حقایق و دریدن پرده‌های تدلیس و اشتباهات مغالطه‌گران در مناظرات برای جلوگیری از لغزش‌های فکری می‌توان بهره برد. دکتر فاستر در کتاب «مباحثه و مناظره» می‌نویسد:

«در مناظره، شاگردان با اصولی روبه‌رو می‌شوند که متکی به علم منطقی است و به زودی توجه پیدا می‌کنند که برای اقامه دلیل و استدلال، آشنایی با علم منطق لازم دارند و هرکس بخواهد درست استدلال نماید، جز اینکه فن منطق را فرا بگیرد چاره‌ای ندارد. بلکه صناعات خمس را باید بدانند و بیاموزند.»

۹. **نظم دقیق در مبادی؛** در اقامه دلیل در فن مناظره، روش صحیح و نظم و ترتیب دقیقی باید رعایت شود و گرنه هرج و مرج و پریشان‌گویی می‌آورد، وانگهی باید پیشتر تمرین عملی و شرکت در مناظرات ساختگی داشته باشد؛ چرا که صرف تحصیل آداب و قواعد این فن و مجرد بررسی و قرائت شاهکارهای سخنرانی و مناظره‌ای در چنین مجالسی بی‌آنکه عملاً در مناظرات مصنوعی شرکت نموده و به تمرین و مهارت پردازند و اساتید فن و سایر مخاطبان نقاط قوت و ضعف آن‌ها را بازگو سازند کاری بی‌روح و بی‌ثمر است. مباحثات شفاهی به مراتب شورانگیزتر از مبارزات قلمی است، از این رو تمرین بیشتر لازم دارد.

«رایزین» استاد مناظره در دانشگاه آبا می‌نویسد:

«آن قوم که در مباحثه قوی‌تر گردد، پیشرفت خواهد داشت؛ زیرا صفحات تاریخ از تأثیرات مناظره در امور دنیا حکایت می‌کند؛ مخصوصاً از آن جهت که یکی از نیروهای بزرگ آموزش و پرورش به شمار می‌رود.»^۴

در دنیای غرب بیشتر دانشمندان آموزش و پرورش بر این باورند که برای کارهای

دشوار و خطیر کشور، نوعاً کسانی شایسته‌اند از طرف ملت برگزیده شوند که در انجمن‌های مناظره بیشتر ورزیده شده باشند؛ زیرا در مناظره، یک دانشجوی ماهر تمام مایه‌های علمی و عملی و گوهر ذاتی خود را به کار می‌بندد و تا آخرین مرحله، لیاقت و استعدادش را به کار می‌گیرد و کوشش و تلاش می‌کند تا گفتارش شیرین و دلایلش مورد پسند و سزاوار تصدیق و تحسین باشد و به مجرد اینکه یک بار به این افتخار نایل می‌شود لذت آن را به زودی فراموش نمی‌کند به قول حافظ:

کلید گنج سعادت قبول اهل دل است مباد کس که در این نکته شک و ریب کند

اگر دانشجوی با دقت کافی و اسلوب منظم شرایط و قواعد مناظره را بخواند و در عمل پیاده کند، در نتیجه ممارست، صوت و آهنگ او به تدریج موزون شود و قوه ناطقه‌اش بی‌آنکه خود متوجه باشد رو به کمال رود، سرعت انتقال و حاضر جوابی و نیروی تجزیه و تحلیل از نتایج مسلم این فن است. کسانی که در این علم از نظر فنی و عملی مجرب باشند، اگر به مناظره دعوت شوند قوای فکری خود را فی الفور تمرکز دهند و به گونه‌ی ارتجالی با طلاقت زبان و رفتاری خالی از تکلف اعتماد و احترام جمع را به خود جلب می‌نمایند.

رییس یکی از دانشکده‌های حقوق آمریکا می‌نویسد:

«نام بعضی دانشجویان را پس از فراغت از تحصیل، به ندرت کسی شنیده است ولی بالعکس بسیاری از دانشجویان دیگری که در انجمن‌های مناظره وارد بوده‌اند، حدیث سخنشان در بسیط زمین گسترش یافته و در تالار کنگره‌ها و مجالس قانون گذاری و مجامع بین المللی طنین افکنده و برخی در مقامات فرهنگی و قضایی، اجتماعی و سیاسی، پایگاهی بلند یافته و خدمات درخشانی به کشورشان انجام داده‌اند.»^۵

در کتابی که سه تن از استادان سخنوری و مناظره در آمریکا نوشته‌اند، مناظره را هوش آزمایی و نبرد افکار تعریف کرده و اینگونه گفته‌اند:

«در این نبرد، پیروزی نصیب کسی است که به وجه مؤثری در مسائل غور کند و گوی سبقت را در این میدان برآید و در اندیشه و گفتار مهارت و شایستگی خاصی از خود نشان دهد. شما نیز هرگاه وارد این میدان شوید خواهید توانست نیروی خود را برای احراز مقام رهبری و نفوذ در عقیده‌شنوندگان بیازمایید و معلوم کنید تا چه اندازه می‌توانید درباره‌ی مسائل حیاتی - اجتماعی، مستمعین خود را با خود هم فکر و هم آهنگ سازید.»^۶

آداب و گفت و گوی سودمند

- گفتگو و مناظره زمانی می‌تواند مفید باشد که موازین و آداب ذیل را با خود همراه کند:
۱. رعایت منطق و انصاف؛ دنیای معاصر ما، جهانی است که فرهیختگان، حتی غالب مردم جهان از مناظرات و مجادله‌ها و مشاجره‌های بی‌حاصل، مغرضانه و متکبرانه خسته شده و به گفت و گوی هدفمند و منصفانه پناه آورده‌اند. برای گفت و شنود منصفانه و منطقی باید: «طرفین مناظره یکدیگر را درک کنند و خود را به جای شخص رقیب مورد نظر قرار دهند و نظریات او را در موضوع مورد اختلاف ارزیابی نمایند و در صدد ایجاد رابطه منطقی و اصولی با هم باشند. بهتر است در آغاز مناظره و گفت و گو طرفداری از حق و حقیقت را گوشزد نموده و حق محوری را هدف قرار دهند و در طول مناظره به طور مکرر یادآوری نمایند که هیچ قصد و منظوری جز حل و فصل عادلانه موضوع و کشف حقیقت ندارند و در صورتی که مناظره‌گر مذهبی باشد، خاطر نشان سازد که هدف از این گفت و گو حل مشکل و جلب رضای خداست نه کسب امتیاز یا اقتناع حس برتری جویی و غلبه و یا کسب شهرت و محبوبیت؛ زیرا وجاهت اجتماعی و منافع دنیوی با حقیقت طلبی، قابل معامله و سزاوار مبادله نمی‌باشد.
 ۲. تسلط و خونسردی؛ به هنگام گفت و گو، باید تسلط بر نفس و خونسردی را حفظ کرد و عصبانی نشد؛ زیرا عصبانیت به هنگام سخن گفتن نه تنها مناظره‌گر را بی‌منطق و غیر منصف و عصبی جلوه می‌دهد بلکه موانعی بر سر راه خواسته‌های مطلوب نیز می‌گذارد، مناظره‌گری که هدف صحیحی دارد باید به مخالف مهلت دهد تا انرژی مخرب خویش را با ادامه صحبت تخلیه نماید. بگذارید رقیب مخالف تمام حرف‌هایش را بزند تا آرامش پیدا کند؛ چرا که مذاکره سودمند در فضای آرام و مناسب، نتیجه بخش است و در این صورت است که گفت و گو، روند واقعی خود را باز می‌یابد.
- شایان ذکر است که تخلیه تنش‌های عصبی، باعث تخلیه اطلاعات و برداشت‌های طرف مقابل نیز می‌شود و شرایط را برای برقراری تفاهم کامل و تحلیل مسائل فراهم می‌آورد. انسان منصف می‌کوشد طرف مقابل را عصبانی نسازد تا مذاکره ادامه یابد و مباحثه از روال طبیعی خارج نشود. گرچه برخی از طرف‌های درگیر می‌دانند با عصبانی کردن رقیب، می‌توانند طرف مقابل را شکست دهند، ولی این شیوه، از حکمت عقلانی و اخلاق اسلامی محسوب نمی‌شود. هر چه مناظره‌گر موازین اخلاقی را بیشتر رعایت نماید در پیروزی نهایی او مؤثرتر خواهد افتاد و محبوبیت اجتماعی پیدا خواهد کرد.
۳. اجتناب از منیت و خودبینی؛ برای اثبات این حالت، باید در طی گفت و گو، متذکر شوند

که چنین خصلت‌های منفی در طرف مناظره گر نیست و سعی کنند روح خودپسندی و غرور را با کلماتی درهم بشکنند؛ مانند «شاید من اشتباه کرده باشم»، «ممکن است حق با حضرت عالی باشد». چرا که این اعترافات به طرف مقابل آرامش بیشتر می‌دهد. بهتر است با گفتن اینکه: حاضرید برای حل اختلافات در صورت لزوم، به او امتیاز بدهید و سخنان درست او را بپذیرید و از بازگو ساختن حق و اعتراف به گفتار درست ولی در جمع تماشاچیان و مخاطبان دریغ نوزد. این گونه فضاسازی‌ها بسیار سودمند و با ارزش می‌باشد؛ زیرا آنچه که اهمیت دارد، نتیجه‌گیری نهایی و حق طلبی است و نباید از این نوع گفتارها ترسید. برخی از گفته‌های طرف مقابل را پذیرفتن، به مفهوم مغلوب شدن نیست.

۴. **اجتناب از توییح و ملامت؛** مناظره گر حق طلب، از ملامت و هتک حرمت و توییح طرف مذاکره جداً باید پرهیزد و شخصیت و غرور طرف مقابل را نشکند که در این صورت امیدی به سازش و مصالحه و تفاهم باقی نخواهد ماند. ممکن است طرف مقابل از هتاک و جسارت بترسد و سکوت کند، ولی در نهایت این سکوت به خصومت ریشه دار منتهی می‌شود و برای جبران اهانت‌ها در موقعیت‌های مناسب فریاد برآورد و در نهایت بر ضد شما به عکس‌العمل شدیدی دست زند؛ «لَا تُعَيِّرَنَّ خَاطِبًا بِخَطِيبَتِهِ»؛ «خطاکار را به علت خطایش مورد سرزنش قرار ندهید»؛^۸ چرا که توییح، او را جریحه دار و مأیوس و احياناً گستاخ خواهد کرد.

۵. **استماع دقیق؛** هنگامی که طرف مذاکره توضیحاتی می‌دهد، مقتضای ادب اسلامی ایجاب می‌کند که با تمام وجود به سخنان او گوش فرا دهیم و کلام او را قطع نکنیم و این سیره رسول الله و امامان معصوم و حکیمان است. با اینگونه رفتار ثابت می‌کنید که برای طرف مقابل حق و حقوقی قائل هستید و او را صاحب فکر و اندیشه می‌دانید. دويدن در میان حرف دیگران نشانه غرور، بداخلاقی، بی‌اعتنایی و بی‌ادبی است. اگر ایرادی هم دارید یادداشت نمایید و پس از پایان گفته‌های او، در پاسخ‌های خویش بگنجانید.

۶. **عدم خروج از موضوع؛** سعی کنید از موضوع بحث خارج نشوید. به جای اثبات اشتباهات و خطاهای طرف مقابل، بیشتر در مورد اصل موضوع و خواسته خود گفت‌وگو کنید و مذاکره را به مسیر مطلوبی برسانید. از اهرم عاطفه و ادب بهره برداری بیشتری کنید؛ زیرا بذل ادب و تقدیم عواطف، سنگ سخت را نرم می‌کند؛ ﴿كَانَهُ وِطِّي حَمِيمٌ﴾^۹ اصرار به خطای طرف مقابل بر تیرگی روابط می‌افزاید و روح عناد و لجاج را بر می‌انگیزد.

۷. **ترک مقابله به مثل؛** اگر طرف مقابل شما لجوج و یک‌دنده است، تا می‌توانید مقابله به مثل نکنید

و قضاوت را به حاضران و یا بینندگان و شنوندگان واگذار نمایید، چون ترک مقابله به مثل، از کرامت انسان است. وانگهی شما با عمل متقابل بر لجاجتش خواهید افزود. پس بکوشید راه حل مناسب تری ارائه کنید. مؤمن باید همت گمارد از مجادله احسن و نیکوترین شیوه مناظره استفاده کند. اگر شرایط ایجاب کرد ابراهیم وار نخست با او همراهی کرده آن گاه راه حل بهتری را به آن‌ها نشان دهید و دلیل اعراض را متذکر شوید و ندای ﴿لَا أُحِبُّ الْأَفْلِينَ﴾ سر دهید.

۸. **عرضه بر حکمیت؛** اگر بحث و مناظره به جای باریک رسید و مخاطبان سردرگم شدند، نوبت به حکمیت می‌رسد؛ اگر مسأله با استمداد از شیوه‌های فوق حل نشد، داور بی‌طرف و عادل و مقبولی پیشنهاد کنید که قضاوت و گفتار او، فصل الخطاب مذاکرات و مناظرات باشد. به حکمیت در قرآن تصریح گردیده^{۱۰} و در عصر حاکمیت امام علی عَلَيْهِ السَّلَام اجرا شده است، گرچه عمروعاص از طریق مکر و فریب وارد شد و ابوموسی اشعری را فریب داد و حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام به این نوع حکمیت رضایت نداشت. گرچه اصل حکمیت را با تعیین نماینده واقعی می‌پذیرفت.

کسب مهارت‌های لازم

طرفین مناظره هر کدام باید ابتدا مهارت‌ها و آموزش‌های لازم را در امور زیر به دست آورده باشند:

یکم، در ساختن عکس قیاس مهارت داشته باشد؛ یعنی بتواند یک قیاس را از طریق تقابل تضاد و یا تناقض به صورت چهار قیاس بسازد؛ بدین شکل: نقیض نتیجه و یا ضد آن را با یکی از مقدمات ترکیب کند تا نقطه مقابل آن به دست آید؛ مثلاً هر انسانی حیوان است و هر حیوانی جوهر است پس هر انسانی جوهر است. یکی از راه‌های عکس این قیاس چنین است که بگویی:

هیچ انسانی جوهر نیست و هر حیوانی جوهر است، پس هیچ انسانی حیوان نیست.^{۱۱}

دوم، در ساختن عکس مستوی و عکس نقیض موضوع و محمول نیز وارد باشد؛ چرا که این مهارت به او کمک می‌کند که بتواند ادله متعددی بر اثبات مطلوب و یا ابطال مدعای خصم اقامه کند.

سوم، مهارت در ارائه مقدمات فراوان برای اثبات و یا ابطال هر مطلوبی از مواضع مختلف و امور دیگری که بر قدرت وی در بیان استدلال‌های متعدد می‌افزاید.

چهارم، مناظره‌گر باید در فن سخنوری نیز توانمند باشد تا بتواند توجه حاضران را به خود جلب کرده و ستایش و تحسین مخاطبان را برانگیزد. وانگهی باید توجه داشته باشد که اصل و جانمایه



مناظره همانا گفتاری است که مبتنی بر قیاس، استقراء و تمثیل است و حکیمان آن را عمود و پایه سخنوری و مناظره دانسته‌اند؛ از این رو باید مناظره‌گران با قیاسات برهانی، خطابی، شعری، جدلی و سفسطی آشنا باشند و به ویژه از صناعات خمس به سفسطیقا (سفسطه و مغالطه) توجه خاصی مبذول دارند و بدین وسیله به اشتباهات عمدی یا سهوی مغالطه‌گران پی ببرند و حقیقت را از تدلیس و تلبیس باز شناسند. آری، دانستن ایهام انعکاس و مصادره به مطلوب و اشتراک لفظ به جوهر لفظ و سوء تألیف و سوء اعتبار حمل و تفصیل مرکب و ترکیب مفصل و جمع مسائل در مسأله واحد و نهادن چیزی که علت نیست به جای علت و اخذ ما بالعرض مکان ما بالذات و سایر مغالطات را کاملاً بشناسد تا پرده تدلیس را بدرد و چهره حقیقت را از پشت پرده‌های تدلیس ارائه کند.

فرمول‌های تشنیع و استهزاء لغزش‌هایی را که از راه لفظ یا معنا ممکن است پیش آید روشن سازد و لیکن برای تمیز بین حق و رهایی از نکبات شرک و الحاد و ادبار و خرافات و اوهام تکیه‌گاه قوی تری لازم است و آن هم کلام خداست.

پنجم، تقسیم زمان؛ یعنی باید زمان مناظره را با دقت و مهارت بین خود و حریف، عادلانه تقسیم کند و مجری برنامه را کنترل نماید؛ مثلاً هر کدام پانزده دقیقه سخن بگویند؛ چرا که اگر به حریف میدان داده شود زمام سخن را در دست گرفته و توجه مخاطبان را به خود جلب می‌کند و قسمت اعظم زمان بحث و گفت‌وگو را اشغال کرده مستمعان را خسته می‌کند تا زمینه برای طرف مقابل باقی نگذارد و در ذهن مخاطبان غالب و پیروز مباحثه محسوب شود.

شرایط مناظره با ادیان و مکاتب

پس از بیان شرایط گفت‌وگوی مفید و سودمند اکنون راهکارهای مناظره را در خصوص هواداران مذاهب مطرح می‌سازیم تا باعث بصیرت بیشتر گردد:

۱. وجود توانمندی برای مناظره؛ بر اساس مبانی علمی و دینی، اگر انسان مناظره‌گر، حضور ذهن و تسلط بر مبانی دینی و علمی طرف مقابل نداشته باشد شکست می‌خورد و مناظره به مقصد نهایی نمی‌رسد.

۲. توجه به مشترکات دینی و مختصات هر کدام در ابعاد اعتقادی، اخلاقی و احکام.

۳. شناخت کامل آرای دیگران و درک مقاصد آنان؛ از منابع معتبر و مقبول طرفین.

۴. آگاهی و بیداری در برابر بذره‌های تفرقه و بدبینی و شناساندن دشمنان مشترک به یکدیگر.

۵. شناخت عوامل همبستگی و هماهنگی بین پیروان مذاهب و سوق دادن مناظره به این جهت و بیان اثرات مادی و معنوی همبستگی ادیان.
 ۶. محور قرار دادن ارزش‌های علمی معنوی و اصول پذیرفته شده اخلاقی و دینی و رعایت انصاف، گذشت صداقت و حاکم قرار دادن وجدان و مشترکات در مناظره.
 ۷. تکرار جلسه‌ها و گفت و شنودها به گونه‌ی مستمر تا دستیابی به حقیقت.
 ۸. برخورداری از حسن نیت و مدارا و باور داشتن به آزادی اندیشه و تحلیل مسائل عقلی و دینی.
 ۹. طرح مسائل بر اساس مبانی اصلی هر مکتب نه بر اساس ذهنی و عرفی به ویژه سنت‌های غلط اجتماعی.
 ۱۰. طرح مباحث در فضای سالم و آرام به دور از تشنج و برخوردهای احساسی و عصبی و جنجال‌های سیاسی.
 ۱۱. برخورداری از سعه صدر و بردباری و تحمل آرای مخالفان.
 ۱۲. عنایت به هدف و نتایج گفت‌وگو و پذیرش حاکمیت ادیان الهی به عنوان محور همبستگی.
 ۱۳. اعلام توافق در مشترکات مکاتب و رسیدن به دو اصل احترام متقابل به عقاید یکدیگر و پذیرش آنچه حق است با علم به اینکه هماهنگی و تلاش‌ها در مسیر اهداف مشترک عبارت است از: حفظ اصول دینی و ضوابط اخلاقی با رعایت حقوق طرفین.
- در مناظرات پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام تمام این معیارها به کار گرفته شده است. اگر در مناظرات پیشوایان اهل سنت دقت کنیم، خواهیم فهمید که مجموعه‌ی گفت‌وگوها؛ از عصر امام باقر علیه‌السلام و شاگردانش؛ مانند هشام بن سالم، هشام بن حکم، مؤمن طاق، حرمان، طیار و... از ارزشمندترین میراث‌های دینی ما در باب مناظره است و رساله‌هایی چون توحید مفضل و اهل‌بیت، گواهی روشن بر این سنت می‌باشد.^{۱۲}
- گزارش‌های مبسوط این مناظره‌ها بر غنای مباحث اعتقادی و کلامی شیعه افزوده و بیانگر آداب اخلاقی در گفت‌وگو و تحمل و شکیبایی امامان را در برابر آرای مخالفان، جسارت‌ها و سفسطه‌های آنان نشان می‌دهد که ما باید از آن‌ها بهره گرفته و مناظره را بر آن شیوه قرار دهیم و پاسدار سیره‌ی اسوه‌ها و الگوهای خود باشیم.
- کتاب‌های نهج‌الحق، النقص، المراجعات، الرحلة المدرسیه، گفتگوی مادی و الهی، گفتگوی تمدن‌ها در قرآن و حدیث، حاصل کار محققان، با نظارت آقای ری شهری، آداب المناظره



قاضی عضدالدین عبدالرحمان ایجی، چاپ قاهره. المحجۀ البيضاء ۱۴۲۴. مناظره دکتر و پیر و ده‌ها کتاب دیگر شاهد استمرار این سنت حسنه است و متکلمانی چون شیخ مفید، سید مرتضی، ابن عقیل، کراجکی، طبرسی، علامه حلّی، خواجه نصیرالدین طوسی، علامه شوشتری، علامه بلاغی، فخررازی و سایر اساتید فنون گفت‌وگو و مناظره، با عنوان نوابغ بزرگ، این راه و رسم مترقی را پیمودند. چرا چنین نباشد؟! دینی که معجزه ابدی آن از جنس سخن و کلام است و گفته‌های پیامبران و صالحان و مؤمنان با کافران و ملحدان را بازگو می‌سازد، باید پیروان حقیقی و مبلغان راستین اسلامی را بر این امر یاری رساند و به روش مجادله احسن ترغیب و تحریص نماید.

بی‌علت نیست که حضرت علی، امام المتکلمین والحکماء علیه السلام می‌فرماید:

«إِضْرِبُوا بَعْضَ الرَّأْيِ بِبَعْضٍ يَتَوَلَّدُ مِنْهُ الصَّوَابُ»^{۱۳}.

«برخی اندیشه‌ها را با اندیشه‌های دیگر به هم بزنی تا حقیقت به دست آید.»
آری، با تضارب افکار و عقاید است که مسئله جدید تولید می‌شود.

در جای دیگر می‌فرماید:

«مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْأَرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا»^{۱۴}.

«هر کس آرای گوناگون را بداند، مواضع خطا برای او آشکار می‌شود.»

مبلغان مسلمان دو رسالت سنگین دارند؛ یکی ابلاغ پیام‌های حقیقی به مخاطبان، به شیوه مواظب حکیمانه و نیکو و دیگر شفاف‌سازی حقایق در شکل مناظره با ملحدان؛ یعنی از یک سو مذاهب اسلامی و ادیان الهی باید توجیه شوند، از جانب دیگر گفت‌وگو با هر کدام از این دو گروه قواعد و آداب خاصی می‌طلبد که مبلغ باید خود را به آن مجهز سازد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. عمرو عاص در جریان حکمیت، با صحنه سازی و فریب ابوموسی اشعری، حکمیت را به سود معاویه و شکست علی علیه السلام تمام کرد و عهدی که با ابوموسای ساده دل بسته بود، شکست و او را وادار کرد که ابتدا وی امام علی علیه السلام را عزل کند و آنگاه که نوبت به خود عمرو عاص رسید بر خلاف قرارداد معاویه را تثبیت کرد!
- مکر و فریب حربه نامرد مردم است نامرد حيله باز و مردی رها کند

۲. بقره: ۱۱۱

۳. مناظره زینب کبرا با ابن زیاد و محکوم ساختن وی باعث شد که پسر زیاد در صدد قتل دختر علی علیه السلام بر آید، لیکن

فرزندان امام حسین او را در حلقه محاصره قرار داده، حفاظتش کردند و نیز زن بودن و داغدار شدنش موجب انصراف ابن زیاد از کشتنش گردید.

۴. همان، ص ۱۲۸

۵. دکتر پاشا صالح، آداب سخن، ص ۱۲۹

۶. به نقل از همان، ص ۱۲۹

۷. امام علی علیه السلام در برابر شعار «لَا حَكَمَ إِلَّا لِلَّهِ» فرمود: کلمه حق یاد بها الباطل؛ حرف درستی است اما قصد و انگیزه خراب می باشد.

۸. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۱۸۸

۹. فَصَلت: ۳۴، «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ [السَّيِّئَةِ] فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»؛ «بدی را به نیکوترین وجه پاسخ ده، در این صورت بین تو و کسی که دشمنی می ورزد، گویا دوستی عمیقی برقرار است.»

۱۰. در اختلافات خانوادگی؛ «فَابْتَعُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا».

۱۱. ر.ک: اساس الاقتباس، ص ۳۰۹ و التخصیر، ص ۱۷۸

۱۲. حدیث اهللیجه، حدیثی است که امام صادق علیه السلام به مفضل نوشته و صورت مناظرهای است که با طبیب نصرانی داشته و در توحید مفضل آمده است.

۱۳. غررالحکم، ح ۲۵۶۹

۱۴. میزان الحکمه، باب المرء .



افتخار و کبریا

